حرمت عمل به ظن دراکام ای موضوعات؟

در قضیه تشابک شواهد اولین چیزی که خیلی اهمیت دارد، تحلیل موضوع است. تحلیل موضوع یعنی ما یک موضوع را به شئونات مختلف، مؤلفه‌های مختلف و گام هایی که برای آن متصور است، تحلیل کنیم. یکی از گام هایی که قبل از این فرمایش شما است، این است: اینکه شما می‌گویید «اصالة حرمت عمل به ظن» آیا در موضوعات هم هست یا نیست؟ می‌خواهد نماز بخواند در نماز خودش یا در طواف واجب به ظن خود عمل می‌کند. به گمانم اگر منا‌سک را نگاه کنید، حتی منا‌سکی که پنجاه-شصت حاشیه دارد، تنها فتوایی که پیدا می‌کنید در طواف واجب به ظن اکتفاء می‌شود و ظن موجب بطلان نیست، آیات‌الله بهجت هستند. فقط ایشان هستند.

شاگرد: قدیمی ها چطور؟

استاد: آنها تصریح ندارند. تا جایی که من تفحص کرده‌ام بین قدما صراحت نمی‌گویند «لایکفی الظن». می‌گویند «اذا شککت» چون طواف واجب است اعاده کن. حالا اگر ظان هستی چه؟ «المرء متعبد بظنه» که صاحب جواهر می‌گویند. «متعبد بظنه» یعنی در شبهات حکمیه؟ در استنباط؟ در اجتهاد احکام؟ نه. موضوعیه است. «متعبد بظنه»؛ یعنی دائماً می‌خواهد نماز بخواند و امثال آن؛ کارهای شخصایی که می‌خواهد انجام بدهد اگر بر او واجب باشد که در این کارهای شخصی متقین باشد و مرتب حرمت عمل به ظن داشته باشد، بر او سخت می‌شود.

الآن اینجا یک موردش است. موضوع شرعی است؛ «اجتهد رایک». لسانش لسان امر است. به نظرم در فقیه دارد «تجتهد رایک و تعمد القبلة جهدک»[1]. «تعمّد ای تعمُّد» شاید هر دوی آنها درست باشد.

شاگرد: تعبیر «اجتهد رایک» به چه معنا است؟

استاد: یعنی شک داری و در جایی هستی که هیچ راهی نیست، اجتهد رایک؛ یعنی همینطور خودت را در موضع حیرت باقی نگذار، تلاش کن غلبه ظن پیدا کنی. «اجتهد رایک» یعنی تلاش کن که یکی از این اطراف برایت غلبه پیدا کند. «جهدک»؛ یعنی تا ممکن است تلاش کن تا متوجه قبله شوی.

شاگرد۲: موضوع این روایت صورت تعذر از علم است؟

استاد: بله.

شاگرد۲: مطلبی که در مورد حاج آقا بهجت می‌فرمودید مطلق بود که ظن در منا‌سک کافی است؟

استاد: نه، در خصوص طواف واجب اینطور می‌فرمودند. حج بحث‌های خودش را دارد. من تنها این فرع را گفتم. چون روایات و نص و فتوا دارد؛ ولو نصوص مختلف است. ولی فعلاً استقرار فتوای مشهور

بر این است که شک در طواف فریضه مبطل است. مثل شک در ثنائیتین؛ شک در دو رکعت نماز واجب به چه صورت است؟ چون در فرض است، شک که آمد مبطل است. البته بعضیها میگویند با حدوث شک باطل میشود و باید از سر بگیری. بعضیها هم میگویند بعد التروّی؛ اگر شک آمده و تروّی کردی اما شک مستقر شد، طواف باطل است. خود همین «تروی» هم مربوط به رؤیت است؛ «رأی، ارتأی، تروّی».

در نماز هم همین هست؛ میگویند در خصوص شک در رکعات –مثل نماز دو رکعتی صبح- نماز باطل است. اما ظن چه؟اصالت حرمت عمل به ظن هست. خُب پس ظن کافی نیست. در اینجا میگویند درست است که اصالة حرمت عمل به ظن داریم اما در اینجا نص داریم که ظن در رکعات، ظن مجزی است. و لذا فقها بحث کردهاند که ظن به افعال آیا ملحق به ظن به رکعات میشود ای نه؟ عدهای قائل نیستند و میگویند قیاس است. اصل حرمت عمل به ظن است، در خصوص ظن در رکعات دلیل داریم، اما نسبت به ظن در افعال –مثلاً ظن در انجام رکوع- دلیل نیست. چون در ظن در افعال نص ندارید، به اصالت حرمت عمل به ظن برمیگردیم. البته اینجا فتوا بیشتر است. مثل حاج آقا نیستند که بگویند جواز عمل به ظن در افعال. اگر در عروه نگاه کنید در اینجا خیلی ها حاشیه دارند که اینجا هم ملحق به ظن در افعال میشود. اختلاف فتوا هست. چون در ظن به رکعات نص داریم مشکلی ندارید.

خُب سؤالی که الآن دارم، این است: ظن در رکعات ظن در موضوع است، آیا نصی که میگوید در رکعات، اعتناء به ظنت بکن، خودش تعبدا یک موردی را از حرمت استثناء میکند یا اینکه خودش یک صغری از همین کبری است؟! یعنی اینکه در موضوعات «اجتهد رایک» هست. در این روایتی که خواندم کلمه «رأی» ابتدا به ساکن آمده است.

اما در روایت دیگر تعبیر امام علیهالسلام برای شک خیلی جالب است. «باب السهو فی الثلاث و الاربع» که روایات متعددی دارد، این روایت هفتم است.

---

[1] من لا يحضره الفقيه ونویسنده : الشيخ الصدوق جلد : ۱ صفحه : ۲۲۲

بازبینی #1
ایجاد شده 5 آوریل 2026 13:29:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 آوریل 2026 13:30:34 توسط ... .